

## عبدالرفیع حقیقت ( رفیع )

## نهضت‌های ملی ایران

(۱۳۱)

## شروانشاهان



شروانشاه - بخش ۱ سلسله‌هایی که در شروان و حوالی آن حکومت

و سلطنت کرده‌اند . از این قرارند : ( ۱ - )

سلسله اول : حکام عرب شروان می‌باشند .

۱ - یزیدبن مزیدبن زائده شیبانی ( والی ارمنستان در عهد هارون

الرشید ) ( ۱۸۳ هـ ق . - ۱۸۵ هـ ق . )

- ۲ - خالد بن یزید بن مزید ( ۲۰۹ هـ ق . )  
 ۳ - محمد بن خالد بن یزید ( در ارمنستان شروان ، اران ، آذربایجان ، باب الابواب ) .

۴ - هیشم بن خالد ( لقب شروانشاه یافت ) .

۵ - محمد بن هیشم .

۶ - هیشم بن محمد .

۷ - علی بن هیشم ( حدود ۳۰۰ هـ ق ) .

۸ - ابوطاهر بن فلان بن محمد ( ۳۰۵ هـ ق ) .

۹ - محمد بن ابی طاهر ( ۳۳۷ هـ ق ) .

۱۰ - احمد بن محمد ( ۳۴۵ هـ ق ) .

۱۱ - محمد بن احمد ( ۳۷۰ هـ ق ) .

۱۲ - یزید بن احمد ( ۳۸۱ ) .

سلسله دوم . که در شماخی حکومت کرده‌اند :

۱ - منوچهر بن یزید ( ۴۱۸ هـ ق ) فرسنگی

۲ - ابو منصور علی بن یزید ( ۵۲۵ هـ ق )

۳ - قباد بن یزید ( ۴۳۵ هـ ق )

۴ - بختنصر علی بن فلان بن یزید ( ۴۴۲ هـ ق )

۵ - سالار بن یزید ( — )

۶ - فربرز بن سالار ( حدود ۴۵۵ هـ ق )

۷ - فریدون بن فربرز ( — )

سلسله سوم حکام ایرانی شروان : منوچهر ( ۹۰۳ هـ ق ) القاص بن اسمعیل

صفی ( ۹۴۵-۹۵۴ ه ق عبدالله خان ( ۹۵۸ ه ق ) فرخ خان ( ۱۰۴۳ ه ق )  
 رستم ( حدود ۱۰۴۵ ه ق ) خسرو سلطان ( حدود ۱۰۵۱ ه ق ) مهرعلی خان  
 ( حدود ۱۰۶۶ ه ق ) منوچهرخان ( حدود ۱۰۶۷ ) ه ق ) و جز آنان  
 سلسله چهارم . فتح علی ( ۱۱۸۰ ه ق ) عسکربن محمد سعید ( ۱۲۰۳ ه ق )  
 قاسم خان ( ۱۲۰۳ - ۱۲۰۹ ه ق ) مصطفی خان ( بارسوم ۱۲۱۲-۱۲۳۶ ه ق )  
 سلسله پنجم . یاخاقانیان که بدو گروه تقسیم شوند . الف گروه اول.  
 بنی کسران

۱ - ابوالمظفر منوچهر بن کسران ( حدود ۵۵۰ ه ق )

۲ - اخستان ( اول ) بن منوچهر ( حدود ۵۵۶ ه ق )

۳ - فرخزاد ( اول ) بن منوچهر ( حدود ۵۶۶ ه ق )

۴ - گرشاسب بن فرخزاد ( حدود ۵۷۵ ه ق )

۵ - علاءالدین فریبرز بن گرشاسب ( حدود ۶۲۲ ه ق )

۶ - اخستان ( دوم ) بن فریبرز ( ۶۴۹ ه ق )

۷ - فرخزاد ( دوم ) بن فریبرز ( حدود ۶۸۰ ه ق )

۸ - کیقباد بن فرخزاد ( حدود ۷۱۷ ه ق )

۹ - کیکاوس بن کیقباد ( حدود ۷۴۵ ه ق )

۱۰ - هوشنگ بن کیکاوس ( حدود ۷۷۴ ه ق )

ب - گروه دوم آل شیخ ابراهیم

۱ - شیخ ابراهیم بن محمد دربند بن کیقباد ( حدود ۷۸۴ ه ق )

۲ - خلیل اله ( اول ) بن ابراهیم ( حدود ۸۲۱ ه ق )

۳ - فرخ یسار بن خلیل ( حدود ۸۶۹ ه ق )

- ۴ - بهرام بیک بن فرخ یسار ( حدود ۹۰۶ هـ ق )
- ۵ - غازی بیک بن فرخ یسار ( حدود ۹۰۷ هـ ق )
- ۶ - محمود بن غازی ( ۹۰۸ هـ ق )
- ۷ - شیخ ابراهیم ( دوم ) بن فرخ یسار ( ۹۰۸ هـ ق )
- ۸ - خلیل‌اله دوم بن ابراهیم دوم ( ۹۳۰ هـ ق )
- ۹ - شاهرخ بن فرخ میرزا ( ۹۴۲ هـ ق ) ( فترت ۹۴۵ - ۹۵۱ هـ ق )
- ۱۰ - برهان علی ابن خلیل‌اله ( ۹۵۱ هـ ق )

۱۱ - میرزا ابوبکر بن برهان ( — ) مرکز شروانشاهان در قدیم شایران (.. شاوران) بود. شروانشاهان در دوره سلجوقیان همچنان در قدرت خود باقی بودند و بسا شاهان آن سلسله رابطه داشتند و گاهی نیز مطیع و خراجگزار آنان میشدند. مهمترین دوره سلطنت این سلسله عهد منوچهر ثانی است که عنوان خاقان اکبر داشت و معیناً تابع سلجوقیان عراق بود و این حال تا پایان سلطنت طغرل بن ارسلان آخرین سلطان سلجوقی عراق بطول انجامید و ازین پس پادشاهان شروان تابع و باجگزار سلاطین گرج شدند، و با آنان وصلت کردند هنگامی که جلال‌الدین خوارزمشاه بر آذربایجان تسلط یافت شروانشاه مدتی خراجگزار او بود. دولت این خاندان تا سال ۹۴۵ هـ ق. دوام داشت و درین سال بدست شاه طهماسب صفوی منقرض گردید ( ولی بعداً دوتن - که نام آنان مذکور شد - بحکومت رسیدند ) .

### اتابکان آذربایجان

اتابکان آذربایجان از سال ۵۳۱ تا ۶۲۲ هجری در آذربایجان حکومت کردند. مؤسس این سلسله ایلدگزیکلی از غلامان مخصوص سلطان مسعود

پادشاه سلجوقی عراق بود ، که از طرف وی به حکومت آذربایجان انتخاب گردید و به لقب اتابک نائل شد . اتابک ایلدگز پس از ازدواج با زوجه طغرل دوم سلجوقی اقتدار و نفوذ فوق العاده بدست آورد ، و پسران وی قزل ارسلان و محمد جهان پهلوان که نتیجه این ازدواج بودند ، شوکت و اعتبار اتابکان آذربایجان را به ذروه اعتلاء خود رسانیدند . پسرش محمد علاوه بر آذربایجان زمامدار حقیقی ممالک سلاجقه عراق گردید . جهان پهلوان و قزل ارسلان برادران امی ارسلان شاه سلجوقی پسر طغرل دوم بودند . و بهمین مناسبت در دستگاه سلاجقه قدرت تمام داشتند .

ارسلان شاه به دستگیری ایلدگز در سال ۵۵۶ هجری به مقام سلطنت رسید ، و به سعی و کوشش وی و پسرانش بر جمیع دشمنان خود فائق گردید . (۱) ایلدگز در سال ۵۶۸ هجری مرد و پس او وی پسر بزرگش محمد جهان پهلوان به حکومت رسید . بعد از محمد جهان پهلوان برادرش قزل ارسلان زمام کار دولت اتابکان آذربایجان را در دست گرفت . این اتابک با طغرل سوم سلجوقی فرزند ارسلان شاه به مخالفت و ضدیت پرداخت ، و در سال ۵۸۴ هجری الناصر الدین الله خلیفه عباسی را به جنگ با طغرل سوم برانگیخت ولی بطوریکه تفصیل آن در ورقه های آینده این تألیف خواهد آمد ، در این جنگ خلیفه شکست خورد و طغرل فاتح گردید . انقراض سلسله اتابکان آذربایجان سرانجام بدست خوارزمشاهیان صورت گرفت . اسامی اتابکان آذربایجان و سال جلوس و مدت حکومت آنان بشرح زیر بوده است :

۱ - شمس الدین ایلدگز ۳۷ سال از ۵۳۱ تا ۵۶۸ هجری

۲ - محمد جهان پهلوان ۱۳ سال از ۵۶۸ تا ۵۸۱ هجری

۳ - قزل ارسلان عثمان ۶ سال از ۵۸۱ تا ۵۸۷ هجری

۴ - ابوبکر ۲۰ سال از ۵۸۷ تا ۶۰۷ هجری

۵ - مظفرالدین اوزبک ۱۵ سال از ۶۰۷ تا ۶۲۲ هجری

### اتابکان لرستان

مؤلف تاریخ حبیب‌السیر در مورد اتابکان لرستان مینویسد : ( لرستان منقسم به دو قسمت لر بزرگ و لر کوچک است ، و منشأ این تقسیم و وجه تسمیه آنکه ؛ در قدیم الایام دو برادر بودند ، بزرگ بدر نام داشت . و کوچک ابومنصور ، معاصر یکدیگر ، در دو موضع از آن ولایت ایالت داشتند . نقلست که چون برادران از جهان گذران انتقال کردند . محمد بن هلال بن بدر ؛ در آن مملکت تاج ایالت برسر نهاد ، و منصب وزارت را به محمد بن خورشیدداد ، و در شهور سنه خمسائه صد خانه وار کرد و از جبل‌السماق ضیافت نموده و در وقت کشیدن آش کله گاو پیش ابوالحسن فضولی که رئیس ایشان بود نهاد . رئیس حسن به این معنی تفال نمو و گفت : ماسردار این قوم خواهیم شد ، و ابوالحسن پسری داشت علی نام ، و علی روزی به شکار رفته سگی همراه برد ، و جمعی در راه بدو باز خورده میان ایشان مناقشه دست داد و آن جماعت علی را چندان سخت زدند که بیهوش گشت . دشمنان به تصور آنکه مرده است پایش کشیده در غاری انداختند و سگ عقب آن زمره شتافته چون شب درآمد و همه بخواب رفتند ، خایه مهتر قوم را بخانید تا بمرد ، و سگ بخانه خویش باز آمد . چون نوکران علی دهان سگ را خون آلود دیدند دانستند که او را واقعه‌ای پیش آمده و سگ روی براه آورده ،

ایشان از پی آن سگ روان شدند ، تا بدان غار رسیدند ، که علی افتاده بود . او را بخانه برده علاج کردند : تا صحت یافت ، و چون علی درگذشت پسرش محمد بخدمت سلغریان شتافت و بواسطه شجاعت معتبر گشت ، و پس از فوت وی ولدش ابوطاهر که جوانی بود شجاعت مآثر ملازمت اتابک سنقر ( اتابک فارس ) اخنبار کرد ، و در آن وقت که اتابک سنقر با حکام شبانکار مخالفت مینمود ، ابوطاهر را با سپاهی گران بجنگ ایشان فرستاد و ابوطاهر بر مخالفان ظفر یافته و دوستکام به فارس بازگشت . اتابک سنقر او را تحسین نموده ، و گفت از من چیزی طلب نمای ، ابوطاهر یکسر اسب خاصه التماس نمود و اتابک اسبی نیک به وی داده گفت : دیگر چیزی بخواه ، ابوطاهر داغ اتابکی خواست ، و این ملتمس نیز مبنول افتاد ، اتابک فرمود که التماس دیگر فرمای ابوطاهر گفت اگر اجازت شود به لرستان روم و آن ولایت را جهت اتابک مستخلص گردانم ، و سنقر لشکری مصحوب ابوطاهر گردانیده او را بدانجا گسیل فرمود و او مؤسس سلسله اتابکان لرستان است) با این مقدمه اتابکان لرستان با امرای هزار اسپه سلسله ای از امرای لرستان میباشند که از سال ۵۴۳ تا ۷۴۰ هجری در آن سرزمین حکومت کردند .

همانطور که بیان شد مؤسس این سلسله ابوطاهر است که او را اتابک سلغری برای رفع طغیان لر بزرگ در سال ۵۴۳ هجری به این ناحیه فرستاد . اباقاخان مغول بعدها حکومت خوزستان را نیز به ضمیمه ولایت اصلی لر بزرگ به اتابکان لرستان وا گذاشت ، و یکی از ایشان یعنی افراسیاب پس از مرگ ارغون خان ، اصفهان را محاصره کرد ، ولی بزودی سرکوب شد . سلسله کم اهمیت اتابکان لرستان تا سال ۷۴۰ هجری دوام داشت و بسیاری از

سنوات راجع به سلطنت ایشان تحقیقی نیست. پایتخت این امیران در شهر ایدج بود و یوسف شاه ثانی از این سلسله، شوشتر و بصره را نیز گرفت؛ غیر از این سلسله يك سلسله كوچك ديگري از اتابكان نیز در ناحیه لر كوچك حكومت ميكرده، و از اوایل قرن هفتم تا قرن دهم در آن ناحیه باقی بوده‌اند (۱) اسامی اتابكان لرستان و سال جلوس آنان بشرح زیر بوده است :

۱ - ابوطاهر بن محمد سال ۵۴۳ هجری

۲ - نصره‌الدین هزار اسپ حدود سال ۶۰۰ هجری

۳ - تكله حدود سال ۶۵۰ هجری

۴ - شمس‌الدین الپ ارغو حدود سال ۶۵۷ هجری

۵ - یوسف شاه اول حدود سال ۶۷۳ هجری

۶ - افراسیاب اول حدود سال ۶۸۷ هجری

۷ - نصره‌الدین احمد حدود سال ۶۹۶ هجری

۸ - ركن‌الدین یوسف شاه ثانی حدود سال ۷۳۳ هجری

۹ - مظفرالدین افراسیاب ثانی حدود سال ۷۴۰ هجری

۱۰ - شمس‌الدین هوشنگ (بناورد الوورد) حدود سال ۷۵۶ هجری

۱۱ - احمد حدزد سال ۷۸۰ هجری

۱۲ - ابوسعید « ۸۱۵ »

۱۳ - حسین « ۸۲۰ »

۱۴ - غیاث‌الدین « ۸۲۷ »

این سلسله را سرانجام سلطان ابراهیم بن شاهرخ منقرض کرد.



از اتابکان این دوره اتابکان الجزیره ، اتابکان شام ، اتابکان ارپل ،  
 اتابکان دمشق ، اتابکان موصل را باید نام برد .

### سلجوقیان عراق ( غرب ایران )

همانطور که در ورقهای گذشته این تألیف نوشته شد محمود بن محمد بن  
 ملکشاه سلجوقی در سال ۵۱۱ هجری پس از مرگ پدرش سلطان محمد به  
 سلطنت رسید . وی هشت ماه بعد از این واقعه برضد عموی خود سلطان سنجر  
 سلجوقی که فرمانروای مشرق ایران بود قیام کرد . سلطان سنجر به عراق  
 آمد و او را شکست داد . محمود به ساوه گریخت و کمال الدینی السمیری وزیر  
 را به عنوان عذرخواهی به نزد سلطان سنجر فرستاد . سرانجام سلطان سنجر  
 برادرزاده خود محمود را مررد محبت قرار داد و سلطنت عراق را دوباره  
 به عهده وی محول داشت ، و دختر خود را نیز به ازدواج او درآورد . محمود  
 در سال ۵۲۰ هجری با خلیفه المستر شد اختلاف حاصل کرد و به بغداد لشکر  
 کشید ، و آن شهر را محاصره کرد . وی پس از تصرف بغداد با خلیفه صلح کرد .  
 سلطان محمود سلجوقی در سال ۵۲۵ هجری در ۲۷ سالگی زندگی را  
 بدرود گفت .

### طغرل بن محمد بن ملکشاه

در هنگام مرگ سلطان محمود سلجوقی برادرش طغرل بن محمد در  
 دربار سلطان سنجر بسر میبرد . سلطان سنجر برخلاف وصیت محمود که فرزند  
 خود داود را به ولایتعهدی برگزیده بود . طغرل را به پادشاهی عراق و متصرفات  
 دیگر محمود برقرار ساخت (۶۲۵ هجری) طغرل برای ضبط متصرفات خویش

در عراق با برادر بزرگتر خود مسعود مجبور به زد و خورر شد. در جنگ‌هایی که بین طرفین اتفاق افتاد گاهی فتح با او و زمانی با مسعود بود. (سالهای ۵۲۷ و ۵۲۸ هجری) تا سرانجام بر اوضاع مسلط شد. طغرل بن محمد پس از سه سال سلطنت در ماه محرم سال ۵۲۹ در همدان زندگی را بدرود گفت. بعد از طغرل بن محمد برادرش مسعود بن محمد به حکومت رسید.

### مسعود بن محمد بن ملک‌شاه

هنگام مرگ سلطان طغرل بن محمد بن ملک‌شاه سلجوقی در همدان برادرش مسعود در بغداد بود. بزرگان دولت سلجوقی عراق مسعود را از بغداد و داود پسر سلطان محمود سلجوقی را که با اتابک قراستقر در تبریز بسر می‌برد به همدان خواستند. مسعود زودتر از داود به همدان رسید. وی فوری بر تخت سلطنت نشست و داود را به ولایت‌عهدی منصوب کرد، و گوهر خاتون دختر خود را به ازدواج او درآورد. مقارن همین ایام مستر شد خلیفه عباسی به قصد عراق و قهستان و خراسان از بغداد بیرون آمد. سلطان مسعود از همدان به استقبال وی شتافت و در لنینور به خلیفه رسید، و او را به احترام تمام در سراپرده مخصوص فرود آورد. سپس عازم آذربایجان گردید. همانطور که در ورق‌های گذشته این تألیف نوشته شد. در این میان جمعی از افراد فرقه اسماعیله وارد سراپرده خلیفه شدند، و او را به قتل رساندند. راشد فرزند مستر شد، پس از آگاهی بر قتل پدر جهت خونخواهی به قصد همدان بغداد را ترک گفت. ولی مسعود با عجله خود را به همدان رساند و از آنجا راه بغداد را در پیش گرفت. راشد که این خبر را شنید به اصفهان رفت و وی نیز در آنجا بدست

اسماعیلیان کشته شد. مسعود در بغداد برادر او المقتدی را به خلافت نشانید و از آنجا به همدان بازگشت سلطان مسعود سلجوقی در رجب سال ۵۴۷ هجری در همدان جهان را بدرود گفت. ص

### ملکشاه بن محمود سلجوقی

بعد از سلطان مسعود سلجوقی برادر زاده اش ملکشاه بن محمود به پادشاهی رسید. دوره حکومت این شخص بسیار کوتاه و پر دغدغه بود. وی پس از رسیدن به پادشاهی، بعزت اینکه به امراء توجهی نمیکرد، خاصبک حاجب به اتفاق حسن جاندار در صدد عزل وی برآمدند، و سرانجام او را به عنوان مهمانی به سرای خویش خواندند، و در آنجا وی را توقیف کردند، و به برادرش محمد که در خوزستان بود پیغام فرستادند، که برای تصرف مسند حکومت به همدان آید.

پس از رسیدن به سلطنت ملکشاه را در حبس مجرد نگاهداشت، وی مدت پانزده روز در آنجا بسر برد. تا اینکه شبی با زریسمان از آن محل پائین آمد و به خوزستان رفت، ملکشاه بعد از مرگ برادرش محمد و حکومت سلیمان شاه در همدان از خوزستان به اصفهان آمد و آن شهر را گرفت و مدت ۱۵ روز برای دفعه دوم سلطنت کرد (وی دفعه اول بقول راوندی (۱) چهارماه و باگفته مؤلف حبیب السیر سه ماه پادشاه بود. مرگ او در ربیع الاول سال ۵۵۵ هجری اتفاق افتاد.